حبیب مکرّم جناب آقا میرزا ابوالفضل علیه بهآء اللّه گلپایگانی

هو الشّاهد العلیم

یا فضل یذکرک المظلوم و یبشّرک بما نزّل لک من القلم الأعلی فی هذا الکتاب المبین و یوصیک بذکره و ثنائه و تبلیغ امره العظیم هذا کتاب انزله الرّحمن لمن فی الامکان لیبشّرهم بعنایة اللّه ربّ العالمین قل انّه ظهر بالحقّ و اظهر ما اراد و دعا الملوک و المملوک الی اللّه الفرد الخبیر قل هذا یوم نطق بذکره کتب اللّه من قبل و انّه سمّی بیوم اللّه لو انتم من العارفین قل انّه ظهر بالحقّ و استقرّ فیه مکلّم الطّور علی العرش الأعظم و ینادی الأمم و یدعوهم الی صراطه المستقیم من النّاس من انکر حجّة اللّه و برهانه و افتی علیه بظلم مبین و منهم من وجد عرف المحبوب و اقبل الی الأفق الأعلی بسرعة سبق البرق المتحرّک اللّامع السّریع طوبی للّذین ما منعتهم شؤونات الهوی عن مالک الوری و نبذوا الدّنیا عن ورائهم و تمسّکوا بالحکمة الّتی امروا بها من لدن قویّ حکیم طوبی لک بما نطقت بالحکمة اذ سألک السّائل عمّا اراد انّ ربّک لهو المعلّم المحصی الخبیر

 قل یا اهل البهآء ایّاکم ان تخوّفکم شوکة الأسمآء تمسّکوا بالمعروف و توکّلوا علی اللّه العزیز الحمید یا فضل آنچه بعبد حاضر ارسال داشتی در ساحت اقدس معروض داشت للّه الحمد که ترا موفّق فرمود بر حکمت منزلۀ در الواح نعم ما تکلّمت به اذ سألک عمّا سأل جمیع دوستان باید آنچه از قلم رحمن نازل بآن ناظر باشند و بآن متمسّک انّا امرنا الکلّ بالمحبّة الکبری طوبی لمن وجد عرف بیانی و اطّلع بما نزّل فی کتابی المبین باید کل بکمال شفقت و مرحمت با عباد اللّه سلوک نمایند در این صورت اگر ظلمی بر آن نفوس مقدّسه وارد شود این منتها امل مقرّبین و مخلصین بوده و خواهد بود

 بگو ای دوستان دنیا را شأنی نبوده و نیست لابدّ انسان از او مرور مینماید حال اگر باسم حقّ واقع شود بدوام ملک و ملکوت باقی و دائم خواهد ماند جمیع را تکبیر برسانید و بعنایات الهی بشارت دهید تا کل مسرور شوند و به ما اراده اللّه عامل گردند از بعضی نفوس عزّت اخذ شد و این فقره در کتاب الهی از قلم اعلی ثبت شده هر منصف بصیری شهادت میدهد بر اینکه آنچه در ارض واقع شده ذکر آن از قبل نازل طوبی لعین رأت و لأذن سمعت ویل للغافلین انشآءاللّه باید اهل اللّه بعین حدید و قلب قویّ و رجل مستقیم بر امر اللّه قائم باشند و با عباد باخلاق روحانیّه رفتار کنند امروز اخلاق طیّبه و اعمال پسندیده ناصر امر اللّه بوده و خواهد بود و این فقره در مواقع متعدّده از قلم اعلی نازل از حقّ میطلبیم کل بیابند و بآن عمل نمایند انتهی

 و اینکه مرقوم داشتید از قبل آن جناب مناجات مذکور را عرض نمایم در وقت مخصوصی مجدّداً تلقاء وجه عرض شد هذا ما نزّل فی الجواب مرّةً اخری یا فضل انّ مولی الوری یذکرک لتشکر ربّک العزیز الوهّاب قد حضر العبد الحاضر و عرض ما ناجیت به اللّه مالک الرّقاب انّا سمعنا و اجبناک بهذا اللّوح الّذی جعله اللّه مطلع الحیوة لمن فی الأرضین و السّموات انّک اذا وجدت عرف بیان الرّحمن و سمعت ما تکلّم به مکلّم الطّور فی اعلی المقام قم و قل

 لک الحمد یا الهی و سیّدی و مالکی و رازقی و معینی بما انطقتنی بذکرک و عرّفتنی افقک الّذی اعرض عنه اکثر الأنام اسألک بآیاتک الکبری و ندائک الأحلی الّذی ارتفع بین الأرض و السّمآء بأن تنزل من سمآء جودک و سحاب رحمتک ما تطمئنّ به قلوب اودّائک علی شأن لا تخوّفهم شؤونات العالم و سطوة الأمم انّک انت المقتدر علی ما تشآء لا اله الّا انت العزیز العلّام انتهی

 اینکه مرقوم داشته بودید یکی از دوستان الهی از اشتغال احبّا بصنعت اکسیر اظهار حزن نموده انّه نطق بالحقّ فی‌الحقیقه حقّ با ایشانست در نهی این عمل الواح متعدّده از سماء مشیّت الهیّه نازل و باطراف ارسال شد بسیار عجب است با نهی صریح باین عمل لایسمن و لایغنی مشغول شوند بعضی از نفوس در عراق و ارض سرّ از صنعت معروف مکتوم سؤال نمودند در جواب از سماء مشیّت رحمن نازل شد آنچه نازل شد بکرّات این عبد از لسان مبارک اصغا نمود که فرمودند اگر سائلین حمل بر عجز و دون آن نمینمودند هرآینه کلمه‌ئی در ذکر آن نازل نمیشد و مکرّر عباد را از عمل بآن نهی فرمودند نهیاً عظیماً فی الکتاب حسب الأمر آنکه آن جناب و اولیای امر بحکمت و بیان دوستان حقّ را از اشتغال باین عمل که فی‌الحقیقه سبب تضییع عمر است منع نمایند انتهی

 در اکثر الواح میفرمایند اهل ارض را آگاه نمائید و به ما ینفعهم هدایت کنید امروز سماء بینش مرتفع و آفتاب دانش مشرق فرصت را مگذارید و وقت را غنیمت شمارید امروز روزیست که انسان قادر است مالک شود امری را که در غیر این یوم بخزائن ارض کلّها مالک نشود امروز اصغا مینمائید آنچه را که در غیر آن اصغای او ممکن نه جهد نمائید تا ذکر ابدی را مالک شوید اینست نصائح مشفقانه و مواعظ حسنهٴ محبوب امکان انتهی

 در بارهٴ نفوسی که در واقعهٴ مذکوره مرقوم داشته بودید که باخذ و حبس مبتلا گشتند در مقام ارفع امنع اقدس عرض شد هذا ما نطق به لسان العظمة

هو الذّاکر المشفق العلیم

یا اباالفضل ینادیک لسان الفضل من سجن عکّآء و یبشّرک بعنایة ربّک مالک الأسمآء اذا سمعت و فزت ان اشکر و قل لک الحمد یا اله العالمین انّا نرید ان نذکر اولیآء اللّه الّذین اخذوا و حبسوا من دون بیّنة و لا کتاب من اللّه العلیم الحکیم یا احبّآء الرّحمن ان افرحوا بما یذکرکم المظلوم بهذا الذّکر الّذی منه فاح عرف القمیص بین السّموات و الأرضین قد حملتم فی حبّی ما لا حمله العباد من قبل یشهد بذلک قلم اللّه النّاطق العلیم لا تحزنوا عمّا ورد علیکم قد ورد علینا ما ناح به اهل الفردوس الأعلی و الجنّة العلیا و النّاس اکثرهم من الغافلین قد اخذونا مرّةً بعد مرّة و حبسونا کرّةً بعد کرّة و انّه فی السّجن الأعظم امام وجوه العالم ینادی و یقول تاللّه قد ظهر یوم اللّه و نطق فیه الغیب المکنون و الکنز المخزون انّه لا اله الّا انا الفرد الخبیر

 ای دوستان بر شما وارد شده آنچه بر نفس حقّ وارد شده الحمد للّه ظلم ننمودید و مظلوم واقع شدید در صدد اذیّت نفسی نبودید و بمنتها اذیّت مبتلا گشتید از برای خلق بکمال شفقت از حقّ رحمت خواستید سطوت نقمت دیدید آزادی خواستید باسیری رفتید جمیع اشجار فردوس به طوبی لکم ناطق و اثمار به بشری لکم ذاکر اگر از نفسی ظلمی ظاهر نشود و به غیر ما حکم به اللّه عمل ننماید آنچه بر او وارد شود فی سبیل اللّه آثار آن در ارض مثل عَلَم علی الأتلال ظاهر و هویدا گردد یا احبّآء الرّحمن طوبی لکم بما صبرتم و لکم حسن المبدإ و المآب چه‌ قدر محبوبست بلایا در سبیل مالک اسماء و چه ‌قدر باثمر است رزایا در ره دوست یکتا لعمر اللّه سلطنت عالم باین مقام برابری ننماید و عزّت و ثروت امرا بآن معادله نکند چه بسیار از لیالی که وحوش و طیور و سباع در اوکار و ایکات و غیاض خود مستریح بودند و شما در دست اعدا مبتلا وصیّت این مظلوم آنکه این مقام بلند اعلی را از دست مدهید از شئون انسانیّت در هیچ احوال خارج نشوید اخلاق و اطوار سباع و وحوش را باهلش واگذارید بشنوید و نگوئید عطا نمائید و در صدد اخذ عطا نباشید انشآءاللّه امام وجوه هر یک از شما علم عدل و رایت عقل مشاهده شود و البتّه از این اعمال پاک و اخلاق پاکیزهٴ طاهره انوار عدل که از ظلم ظالمین محجوب و مستور است باسم الهی اشراق نماید اذاً ترون الأرض غیر الأرض و تنطق الذّرّات بأعلی النّدآء قد انار افق العدل بشمس ذکر ربّنا المقتدر الظّاهر السّمیع البصیر

 یا اهل صاد یا مهاجرین ارض صاد یا غربای ارض صاد یا اسرای ارض صاد قلم اعلی از شما غافل نشده در بارهٴ شما از او جاری شد آنچه که بحیات جاودانی مزیّن است آنچه بر حقّ بود ادا فرمود آنچه بر شماست حفظ این مقام است انشآءاللّه بکمال تقدیس و تنزیه و شفقت و عنایت و مهربانی مابین ناس ظاهر باشید هیچ عملی عنداللّه ضایع نشده و نخواهد شد نفوسی که از شما بافق اعلی صعود نمودند بعزّت و نعمتی فائزند که جمیع عالم از احصای آن عاجز و قاصرند یا اهل الصّاد ان استمعوا ما نطق به لسان العظمة من قبل و ینطق فی هذا الحین بما تقرّ به عیونکم و تفرح به قلوبکم انّه لهو العزیز الوهّاب قد نزلت اسمائکم من القلم الأعلی فی الواح شتّی یشهد بذلک مالک الأسمآء اذ کان مستویاً علی عرش اسمه المختار قد ورد علیکم فی سبیل اللّه ما صاحت به الصّخرة و ناحت الجبال و الآکام قد اخذتکم الأحزان فی هذا الأمر سوف تجدون انفسکم فی فرح من لدن ربّکم العزیز العلّام ان افرحوا بما یذکرکم المظلوم و یبشّرکم بما قدّر لکم من لدی اللّه مالک الأنام

 و نذکر کلّ من صعد فی دیار الغربة اذ کان مهاجراً فی سبیل اللّه مالک الأرواح النّور المشرق من افق ارادة مالک الأسمآء علیکم و علی الّذین قاموا علی نصرة امر ربّهم بالحکمة و البیان اشهد انّکم آمنتم باللّه اذ کفر به کلّ مشرک مرتاب قد اقبلتم الی الأفق الأعلی و سمعتم ندآء ربّکم مالک الأسمآء و فزتم بالْبَلی اذ ارتفع ندآء اللّه ربّ الأرباب طوبی لکم و لمن یذکرکم بعد صعودکم الی مقام انقطعت عنه اذکار العباد کذلک دلع دیک العرش و هدرت حمامة العدل اذ احاطت الظّلم من فی الآفاق انتهی

فی ۴ رجب ١٢٩٨

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۲۱ ژانویه ۲۰۲٣، ساعت ٢:٠٠ بعد از ظهر